


The challenge of exploring the use of future research knowledge in the cultural policy cycle with a grounded theory approach

Safiye Rezaee

phd student of Islamic Revolution Future Studies, Shahid Tehran University, Tehran, Iran.


safiye.rezaee@gmail.com

 0000-0002-2559-3362

Mohammadrahim Eivazi

Professor and faculty member of Shahid University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author).


danesh.mr@yahoo.com

 0000-0005-1450-9802

Abasali Rahbar

Associate Professor and Faculty Member of Allameh Tabataba'i University of Tehran, Tehran, Iran.

aa.rahbar@ut.ac.ir

 0000-0003-4170-1316


Abstract

One of the topics discussed in policy studies is the use of future-oriented approaches and the use of future research knowledge and tools. It is a matter of consensus that if policy studies are done without relying on future-oriented approaches, successive gaps and deficiencies in the policy cycle will become frequent. This issue is more important in cultural policymaking due to the importance of the category of culture and due to the layered nature of uncertainties and variables. However, there have always been challenges in the relationship between the knowledge of future research and policy making, which has made the platform for policy making use of future research unbalanced. The purpose of this article is to examine the challenges of using future research knowledge in the policy cycle, and the main question is what challenges are there in the process of using future research knowledge in the cultural policy cycle? To advance the research, the library method and the qualitative method of in-depth interviews and the data theory of the foundation have been used. This research has been written with a practical approach, based on its findings, the challenges of using futures research knowledge in the context of policymaking are more related to the lack of scientific institutionalization of futures research than it is related to the institutional and political levels, which is directly and indirectly related to the educational culture component it is related.


Keywords: policymaking, futurism, challenge, cultural policymaking, grounded theory.

چالش کاوی بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی؛ با رویکرد داده‌بنیاد^۱


صفیه رضایی

دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران.
safiyeh.rezaee@gmail.com  0000-0002-2559-3362

محمد رحیم عبوضی

استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
danesh.mr@yahoo.com  0000-0005-1450-9802

عباسعلی رهبر

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، تهران، ایران.
aa.rahbar@ut.ac.ir  0000-0003-4170-1316

چکیده

یکی از موضوع‌های مطرح در مطالعات سیاست‌گذاری، استفاده از رویکردهای آینده‌نگرانه و بهره‌گیری از دانش و ابزار آینده‌پژوهی است. این مبحث مورد اجماع است که اگر مطالعات سیاست‌گذاری بدون تکیه بر رویکردهای آینده‌نگرانه صورت گیرند، خلأها و نقصان‌های متوالی بر چرخه سیاست‌گذاری پُر تکرار می‌شود. این مسئله در سیاست‌گذاری فرهنگی به واسطه اهمیت مقوله فرهنگ و با توجه به لایه‌ای بودن عدم قطعیت‌ها و متغیرها پُراهمیت‌تر است؛ با این حال در ارتباط بین دانش آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری همواره چالش‌هایی وجود داشته که بستر بهره‌گیری سیاست‌گذاری از آینده‌پژوهی را نامتوازن ساخته است. هدف این نوشتار، بررسی چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری است و این سؤال اصلی مطرح است که چه چالش‌هایی در روند بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی وجود دارد؟ برای پیشبرد پژوهش از روش کتابخانه‌ای و روش کیفی مصاحبه عمیق و نظریه داده‌بنیاد بهره گرفته شده است. این پژوهش با رویکرد کاربردی نگارش شده است که بر اساس یافته‌های آن، چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در بستر سیاست‌گذاری بیش از آنکه مربوط به سطوح نهادی و سیاسی باشد مربوط به عدم نهادینگی علمی آینده‌پژوهی است که مستقیم و غیرمستقیم

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز:

CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>) است.

با مؤلفه فرهنگ آموزشی در ارتباط است. به عبارتی موضوعهای مرتبط با فرهنگ آموزشی و علمی بیشترین سهم چالش‌انگیزی را در روند بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی را دارا هستند.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، آینده‌پژوهی، چرخه سیاست‌گذاری، چالش، سیاست‌گذاری فرهنگی، نظریه داده‌بنیاد.

شاپای الکترونیک: X655-2588 / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



مقدمه و بیان مسئله

سیاست‌گذاری و به‌ویژه سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران که در بستر آن، حفظ ارزش‌ها و توسعه آرمان‌ها مورد تأکید است، جایگاه مهمی دارد (شریفی و فاضلی، ۱۳۹۱، ص. ۵۶). با این حال از آنجایی که سیاست‌گذاری، علمی عملیاتی یا علم سیاست در عمل تعریف شده است، مستعد چالش‌هایی است که فرایند آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این چالش‌ها گاه از جانب سیاست‌گذاران و گاه در قالب چرخه سیاستی رخ می‌دهد. ناآگاهی سیاست‌گذاران و نداشتن تسلط بر فرایند سیاستی، عدم لحاظ ارزیابی مسائل، عدم قدرت نظارت بر چرخه سیاستی، ناکارآمدی بخش اجرای سیاست‌ها، فقدان چابکی چرخه سیاستی، عدم صورت‌بندی به موقع مسائل، تداخل مسائل سیاستی، ساده‌سازی بیش از اندازه مسائل و عدم شکل‌گیری صحیح چرخه سیاستی از چالش‌های قابل ذکر است.

در مواقعی دامنه این چالش‌ها به‌شدتی است که ماهیت فرایند سیاست‌گذاری دچار نقصان می‌شود. البته با توجه به نوین بودن رویکردهای علوم بین‌رشته‌ای همچون سیاست‌گذاری این چالش‌ها به‌طور معمول طبیعی است، اما آن‌جا که سخن از مسائل نوظهور و پیچیدگی مسئله‌های ناشناخته می‌شود، صحبت از اهمیت رویکردهای آینده‌نگر و بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی برای مهار چالش‌های حوزه سیاست‌گذاری بسیار مطرح می‌شود. در واقع دانش آینده‌پژوهی به‌عنوان علمی بین‌رشته‌ای و به تعبیری فرارشته‌ای با ظرفیت‌های محتوایی و روشی که دارد قابلیت کمک به سیاست‌گذاران در پیش‌بینی مسائل نوظهور و غلبه بر بحران‌های مختلف را دارا است (عیوضی، ۱۴۰۰، ص. ۵۳). به‌عبارتی، دانش آینده‌پژوهی فرصت‌های متناوبی را برای عرصه سیاستی می‌تواند فراهم کند که با توسل به آنها خلأها و چالش‌های چرخه سیاست‌گذاری مرتفع می‌شود. در این راستا این اعتقاد وجود دارد که می‌توان با همگرایی بین سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی، ساده‌سازی مفاهیم پیونددهنده بین آنها و ایجاد ساختار محتوایی همسان و قابل فهم، زمینه‌ساز عمیق رویکردهای آینده‌نگرانه در روند سیاست‌گذاری را فراهم کرد. این نکته در سیاست‌گذاری فرهنگی با وجود انباشت موانع و مسائل قابل بررسی، مضاعف است. با این حال، چالش‌های مختلفی برای پیوند و بهره‌گیری بیشتر عرصه سیاست‌گذاری از دانش آینده‌پژوهی وجود دارد؛ البته پرداختن به این موضوع در این نوشتار در حالی

است که تاکنون چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در عرصه سیاست‌گذاری و به‌ویژه سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران بررسی نشده است؛ ضمن اینکه حتی در میزان اثربخشی آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی اتفاق‌نظر میان برخی نخبگان وجود ندارد. این در حالی است که فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران و لزوم آینده‌پژوهی در چرخه سیاستی بسیار مهم و اساسی است؛ چراکه سیاست‌گذاری فرهنگی فرایندی بلندمدت است و می‌طلبد که سیاست‌گذاران فرهنگی با محتوای آینده‌پژوهی انس علمی بیشتری داشته باشند.

از این رو در این نوشتار سعی داریم با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و روش کیفی مصاحبه عمیق و در قالب نظریه داده‌بنیاد، به بررسی آن چالش‌ها بپردازیم؛ بنابراین ضمن پرداختن به اهمیت بهره‌گیری از فرصت‌های آینده‌پژوهی در عرصه سیاست‌گذاری به این سؤال اصلی خواهیم پرداخت که چه چالش‌هایی در روند بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی وجود دارد؟ بدیهی است در این نوشتار، تمرکز بر ساختار و چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی است و لزوماً ماهیت فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی و موضوع‌های مرتبط با آن مدنظر قرار ندارد. رویکرد کلی در این نوشتار، سیاست‌گذاری برای توسعه فرهنگ با تأکید بر بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی و رویکردهای آینده‌نگرانه است.

۲. هدف و پرسش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی می‌باشد. هدف اصلی پژوهش نیز بررسی چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در روند سیاست‌گذاری فرهنگی است. «چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری فرهنگی چیست؟» پرسش اصلی پژوهش است. ضمن اینکه اهداف پژوهش در قالب «توصیف^۱»، «تبیین^۲»، «فهم^۳» و نیز «برآورد تأثیر^۴» تمرکز دارد. بدیهی است که زنجیره توصیف و تبیین و در ادامه فهم از موضوع بر بستر و مبنای روش و ابزارهای پژوهشی صورت می‌گیرد که خود می‌تواند مولد واکاوی و چینش موضوع‌های مرتبط در این حوزه باشد. در این نوشتار از ابزارهای کیفی پژوهشی همچون نظرهای خبرگانی بهره گرفته شده که تکمیل‌کننده فرایند تبیین و فهم از موضوع است.

1. Description
2. Explanation
3. Understanding
4. Impact estimation

۳. پیشینه پژوهش

بررسی روند مطالعات کتابخانه‌ای در حیطه دانش آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری نشان از آن دارد که مطالعات صورت گرفته تنها به صورت کلی به ارتباط بین این دو علم بین‌رشته‌ای پرداخته‌اند، اما تاکنون از منظر واکاوی و چالش‌های بهره‌گیری از این دو دانش پرداخته نشده است. در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی و از دریچه این بستر سیاستی نیز، به شاکله آینده‌پژوهی نیز کمتر پرداخته شده است. در زمینه پردازش ارتباط بین دو دانش سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی، حوزه بررسی مطالعاتی پژوهش‌های داخلی بیشتر بر بسط مفاهیم و معرفی این دو علم است و واکاوی، چالش‌های و تولید محتوای مشترک به صورت منسجم انجام نشده است. در حوزه مطالعات خارجی نیز بیشتر در حیطه اهمیت ارتباط آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری پژوهش انجام شده و به‌ویژه به حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی نیز پرداخته نشده است. در مجموع نگرش کلی به آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری در حوزه مطالعات داخلی و خارجی تمرکز بر معرفی این دو دانش و صرفاً بیان کلیات است. البته از آنجاکه دو دانش آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری، نوپدید محسوب می‌شوند، نگرش‌های مطالعاتی تمرکز بر اتصال بر مفاهیم فناورانه دارد و تمایل به اتصال پژوهشی در حوزه فرهنگی کمتر است. به‌عنوان نمونه، مهدی رضایی قادی به همراه حسین رفیع در پژوهشی تحت عنوان «بررسی کاربردهای آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری عمومی»، با نگاه کلی تنها به ضرورت توجه به نگاه آینده‌نگرانه در مسیر سیاست‌گذاری تأکید کرده‌اند. همچنین داوود غرایاق زندی در پژوهشی تحت عنوان «آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری عمومی: مفاهیم و روش‌ها»، کوشیده است دو ساحت آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری را روشن کند و بر اهمیت آینده‌پژوهی در علم سیاست صحنه‌گذار. کریستین بورچ در کتابی تحت عنوان «مشارکت و تعامل در آینده‌پژوهی»^۱، به بسترهای تعامل و برهم‌کنش سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی می‌پردازد. «پیتر دلون»، در پژوهشی تحت عنوان «مطالعات آینده و سیاست‌گذاری»^۲، به بررسی ارتباط بین دانش آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری می‌پردازد. سایسا مائو در پژوهشی تحت عنوان «به‌کارگیری آینده‌پژوهی در ترسیم سیاست‌ها»^۳، به این مسئله می‌پردازد که چگونه توجه و کاربرد آینده‌پژوهی می‌تواند توانایی سیاست‌گذاران را در امر تصمیم‌گیری بیشتر کند.

1. participation and interaction in foresight
2. Future studies and policy
3. Applying foresight to policy design

بدیهی است که پژوهش‌های کنونی یا در بیان کلیات متوقف شده‌اند یا در حوزه‌های فناوری و برنامه‌ریزی راهبردی در ارتباط با حوزه حکمرانی ورود کرده‌اند و وارد مباحث زیرساختی اجتماعی و فرهنگی نشده‌اند. نکات قوت دیده شده در این پژوهش‌ها، تأکید بر واژگان سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی است. از نقاط ضعف این مطالعات، تمرکز صرف پژوهشگران به محوریت بیان کلیات در این عرصه است.

۴. ملاحظه‌های نظری

۴-۱. تعریف مفاهیم

الف. سیاست‌گذاری فرهنگی: سیاست‌گذاری، تجلی حکومت در عمل است؛ (رضایی قادی و رفیع، ۱۴۰۰، ص. ۴۶) که خمیرمایه شکل‌گیری آن، حل یک مسئله عمومی است (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۴، صص. ۱۱۰-۱۳۲) فرایندی که مسئله‌ای را در عرصه عمومی شناسایی و برای آن راه‌حل می‌دهد (Sabatier, 1991, p. 144). از این‌نگاه، سیاست‌گذاری شیوه مشخص شکل دادن به عمل تعریف می‌شود؛ فرایندی که در چهار مرحله طرح مسئله، تصمیم‌گیری و تدوین سیاست، اجرای سیاست و ارزیابی سیاست قابل تجمیع است (کاظمی، ۱۳۷۹، ص. ۱۶). در این راستا سیاست‌گذاری فرهنگی روند تصمیم‌گیری در حیطه فرهنگی محسوب می‌شود. در واقع مجموعه اقدام‌هایی است که هدف و جهت آن، توسعه فرهنگ است (اجلالی، ۱۳۷۹، ص. ۴۶). بدیهی است که این فرایند از ارزش‌ها و آرمان‌های مورد تأیید نظام الهام می‌گیرد و در جهت توسعه فرهنگ و ارزش‌های والا و اصیل مورد تأکید است.

ب. آینده‌پژوهی: آینده‌پژوهی، علمی است که هدف آن ابداع، یا کشف سنجش ارزیابی و طرح آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح است (Bell, 2011, p. 166). در واقع آینده‌پژوهی یک علم کاربردی و عملگرا است که از دو مؤلفه متمایز توصیفی و تجویزی و رویکرد هنجاری - اکتشافی تشکیل شده است. وجه توصیفی آن، بر گمانه‌زنی در زمینه روندهای آینده با تکیه بر بهترین دانسته‌ها و معرفت‌های زمینه‌ای استوار است. وجه تجویزی آینده‌پژوهی در تلاش برای پاسخ به این سؤال است که در آینده چه باید اتفاق بیفتد؟ این جنبه از آینده‌پژوهی، حاکی از تأثیرپذیری آن از «مسائل»، «ارزش‌ها»، «نیازهای مشخص» و «اراده‌ها» است که بر عنصر تغییر متمرکز است (عیوضی، ۱۳۹۹، ص. ۷۳). در این فرایند، عنصر تغییر از مفاهیم راهبردی و از عمق معنایی بالایی برخوردار است. بدیهی است که وندل بل،

اهداف آینده‌پژوهی را بررسی آینده‌های ممکن، بررسی آینده‌های محتمل، بررسی تصویرهای آینده، بررسی بنیان‌های معرفتی آینده‌پژوهی، بررسی بنیان‌های اخلاقی آینده‌پژوهی تفسیر گذشته و تعیین موقعیت حال، تلفیق دانش و ارزش برای طراحی حرکت اجتماعی، افزایش مشارکت مردمی در تصویرسازی از آینده و طراحی آن و ترویج تصویری خاص از آینده و حمایت از آن دانسته است (Bell, 2011, p. 212).

۲-۴. چهارچوب مفهومی

در این پژوهش، برای چالش کاوی بهره‌گیری از آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی، چهارچوبی تحلیلی ارائه شده است. این چهارچوب مشتمل بر سه سطح مهم است؛ سطح نخست تأکید بر اهمیت آینده‌پژوهی در روند سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران دارد؛ سطح دوم، تمرکز بر سیاست‌گذاری فرهنگی و تأکید بر رفع خلأها و نقصان‌های چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی دارد و سطح سوم به معرفی و چالش کاوی ارتباط بین دو دانش سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی در راستای رفع خلأهای سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران اختصاص دارد. البته در این پژوهش سیاست‌گذاری فرهنگی به‌لحاظ ساختار و روند سیاستی مشابه با سطوح سیاست‌گذاری دیگر و البته به‌لحاظ ماهیت و موضوع مورد پردازش متفاوت تلقی می‌شود.

در توضیح سه سطح بیان شده باید افزود، آینده‌پژوهی و مطالعات آینده‌نگر در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی با وجود مختصات مهم آن در ایران دارای اهمیت است؛ چراکه به‌طور معمول سیاست‌گذاری فرهنگی فرایندی بلندمدت است و این مسئله اهمیت توجه به بنیان‌های دانشی آینده‌پژوهی همچون تصویرسازی از آینده سیاست‌ها، عدم قطعیت‌ها و شگفتی‌سازها را بیشتر یادآوری می‌کند. بدیهی است که غفلت از مطالعات آینده‌نگر در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی می‌تواند چرخه سیاستی را درگیر شگفتی‌سازها و پدیده‌های نوظهور غیرقابل کنترل کند (عیوضی، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۲). از این رو در بررسی موضوع، دو بخش کلیدی باید مورد توجه قرار گیرد؛ نخست: تأکید بر اهمیت آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران؛ دوم: کاوش چالش‌های عرصه بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی با هدف تعمیق موضوع و ارائه راهبرد؛ لازم به تأکید است که در این نوشتار، چرخه و فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی مورد نظر است و موضوع‌های مرتبط با فرهنگ در محوریت پژوهش قرار ندارد.



منبع: (یافته‌های محقق)

شکل (۱): چهارچوب مفهومی پژوهش

۴-۳. فرصت‌های آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی

به تعبیر بسیاری از آینده‌پژوهان، علم آینده‌پژوهی علم مطالعه تغییرهاست و از آنجایی که حیات خود را از علوم اجتماعی در بستر علوم انسانی که عرصه تقابل است، می‌گیرد (عیوضی، ۱۴۰۰، ص. ۵۴)، طبیعتاً در ارتباط علوم دیگر همچون سیاست‌گذاری نیز محل مجادله و بحث و کنکاش خواهد بود، اما از آنجاکه چهارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی، نیازمند لحاظ رویکردهای پیش‌تدبیری است، آینده‌پژوهی در دو سطح گفتمان و محتوا و ابزار و روش می‌تواند خلأهای سیاست‌گذاری را مرتفع سازد. این اعتقاد وجود دارد که تنوع و چندبُعدی‌بودن پدیده‌های محیط سیال و چند بازیگری عرصه سیاست‌گذاری ایجاب می‌کند که سیاست‌گذاری در ارتباط با آینده‌پژوهی از ظرفیت روش‌های ترکیبی استفاده کند (کمالی، ۱۳۹۶، ص. ۷۶)؛ چراکه محیط سیاست‌گذاری محیطی پیچیده، اتفافی و پیش‌بینی‌ناپذیر است و چالش سیاست‌گذار این است که این محیط نااطمینان را ثبات دهد (مولر، ۱۳۷۸، ص. ۵۰). در واقع مطالعات سیاست‌گذاری درصدد پاسخ به این سؤال‌هاست که چه کسی و با چه هدفی سیاست‌های عمومی را شکل می‌دهد؟ این سیاست‌ها چگونه اجرا می‌شوند و چه نتایج و آثاری در پی دارند؟ به‌طور معمول نیز سیاست‌گذاری با وجود تعریف مدل‌های کاربردی، در چرخه صورت‌بندی مسئله، تدوین راهکار، اجرا و ارزیابی قابل تعریف می‌باشد.

بدیهی است که سیاست‌گذار فرهنگی زمانی با مسئله مواجه می‌شود که پدید آمده است. در واقع سیاست‌گذار دچار غافل‌گیری می‌شود. در نگاهی دیگر غافل‌گیری جزء ذات بینشی سیاست‌گذاری است و همواره چالش محسوب می‌شود. درحالی‌که اگر رویکرد آینده‌نگرانه در پیش‌بینی مسائل لحاظ شود امکان ارائه راهکارهای

بهینه‌تر خواهد شد. می‌توان گفت، آینده‌پژوهی و مطالعات آینده‌پژوهانه به سیاست‌گذار قدرت عمل‌گرایی بیشتری خواهد داد که در کنار رویکرد ذهنی‌گرایی بتواند تجسم و تصور بهتری از آینده داشته باشد. ضمن اینکه عمل‌گرایی توأم با هوشمندی در آینده‌پژوهی موجب مطلوبیت، اثربخشی و موفقیت در آینده خواهد شد. پس ویژگی کنش‌گرایانه آینده‌پژوهی به‌لحاظ ماهیت این علم، شرایط را به گونه‌ای در خواهد آورد تا سیاست‌گذاران با هوشمندی به استقبال آینده بروند و مانع از غافل‌گیری و از دست دادن فرصت‌های آینده شوند (Malaska, 2003, p. 13).

بدیهی است که ویژگی‌هایی همچون نوگرایی، خلاقیت، تغییر و به‌روزر بودن در دانش آینده‌پژوهی می‌تواند فرصت‌های مؤثری در چرخه سیاستی به‌وجود آورد. به‌ویژه اینکه در هر کدام از مراحل، پیدایی و طرح مسئله، تدوین سیاست، اجرا و ارزیابی، لحاظ افق دید آینده‌نگرانه اهمیت دارد؛ چراکه در عرصه سیاستی، گاه یا مسئله به‌خوبی صورت‌بندی یا به‌درستی شناسایی نمی‌شود؛ گاه مسائل کلان و همیشگی با مسائل آنی و نوظهور اشتباه گرفته می‌شود و گاه به‌درستی ابزارهای سیاست‌گذاری قابلیت ارزیابی سیاست‌های اجرا شده را ندارند.

به‌عبارتی چالش‌های متصور در فرایند سیاست‌گذاری را می‌توان را در پیدایی مسئله، تدوین راهکارها و ارزیابی‌ها دانست. در واقع در تمام طول چرخه سیاست‌گذاری خلأهایی وجود دارد که گاه سیاست‌گذار یا از درک آن غافل است یا توجهی نمی‌کند؛ به‌عنوان نمونه، سیاست‌گذاری‌ها در چهارچوب طرح بسته‌های سیاستی طوری تدوین می‌شوند که قطعیت کامل را مدنظر دارند؛ از این‌رو سیاست‌ها مبتنی بر داده هستند. این مسئله باعث می‌شود که عدم قطعیت‌ها در نظر گرفته نشود. در واقع نگاه سیاست‌گذار به آینده قطعی و قطعیت کامل باعث می‌شود که از توجه به آینده‌های محتمل، ممکن و باورپذیر غفلت شود (کوثری و رحمتی، ۱۳۹۸، ص. ۵۰). این مسئله به دلیل عدم دانش کافی در شناخت و دسته‌بندی معرفتی آینده‌های محتمل، باورپذیر، ممکن و ناشناخته نیز هست؛ این‌گونه است که ابزار تجزیه و تحلیل سیاست در سیاست‌گذاری قادر به ورود به عرصه عدم قطعیت‌ها نیست یا نمی‌تواند ارتباط مناسب معرفتی با آن برقرار کند.

در مجموع دانش آینده‌پژوهی در حوزه گفتمان و ابزار می‌تواند در چرخه سیاستی مؤثر باشد. بدیهی است که در ابتدای چرخه سیاستی فرهنگی، آنچه باعث می‌شود که مسئله به‌خوبی شناسایی نشود عواملی از جمله: کلی و دستوری بودن برنامه‌ها، نبود روش‌شناسی، ضعف نظری و نگرش تک‌بعدی صرف است که آینده‌پژوهی

می‌تواند بستر تعدیل نگرش‌های تک‌بعدی باشد. در واقع آینده‌پژوهی به انعطاف و سیالیت سیاست‌گذاری فرهنگی کمک می‌کند. ضمن اینکه رویکرد آینده‌نگرانه می‌تواند سیاست‌گذاران را در صورت‌بندی مسائل، تدوین سیاست‌ها و حتی اجرایی‌سازی کمک کند. تاجایی که می‌توان گفت با وجود چهارچوب آینده‌پژوهی در مطالعات و عملیات سیاستی تمامی خلأها و نقصان‌ها در مرحله اجرا انباشت نمی‌شود و ارزیابی سیاست‌ها نیز تسهیل می‌شود؛ چراکه آینده‌پژوهی به تعمیق و نهادینگی مراحل پیش از ارزیابی سیاستی کمک می‌کند (قرونه و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۸۶۱).

بدیهی است که دخیل کردن ابزارهای آینده‌پژوهی به‌عنوان بستر روش‌شناسی در چرخه سیاست‌گذاری می‌تواند راهگشا باشد. ابزارهایی همچون: دلفی سیاستی^۱، سناریونگاری^۲، تحلیل ساختاری و تحلیل روند^۳، رهنگاشت^۴، چشم‌اندازسازی^۵، شبیه‌سازی^۶، تشکیل آزمایشگاه اجتماعی و سیاستی^۷، تحلیل SWOT و نرم‌افزارهای بررسی داده در این راستا مورد مثال هستند. البته با وجود تمام مزیت‌هایی که از ارتباط بین دانش آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری بیان شد باز هم چالش‌هایی وجود دارد که مانع گسترش و نهادینگی این ارتباط می‌شود.

در مجموع، ظرفیت‌های آینده‌پژوهی می‌تواند سیاست‌گذاری‌ها را تکامل بخشد، اما پیوند این دو دانش یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی است که آینده‌پژوهان با آن مواجه هستند. همین امر باعث شده که در زمینه ارتباط و پیوند این دو علم به بیان کلیات اکتفا شود. همان‌طور که بیان شد گاه خلأهای چرخه سیاست‌گذاری مانع بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در بستر سیاست‌گذاری می‌شوند و گاه عدم بهره‌گیری از آینده‌پژوهی به بی‌توجهی به ظرفیت‌ها و فرصت‌های آن، ایجادکننده نقصان و خلأهای چرخه سیاستی است.

۵. روش پژوهش

جهت‌گیری این پژوهش که در سال ۱۴۰۱ انجام شده، کاربردی است. نوع پژوهش کیفی و ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه از نوع عمیق و باز و بهره‌گیری از نظریه داده‌بنیاد است.

1. Policy delphi
2. Scenario writing
3. Structural analysis and trend analysis
4. Mapped the way
5. Vision making
6. Simulation
7. Social and political laboratory

در این راستا، با ۱۲ نفر از خبرگان و اساتید حوزه آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری در قالب مصاحبه عمیق و باز، در موضوع مورد نظر کسب اطلاع شد و در نهایت در قالب نظریه داده‌بنیاد پیاده شد؛ بدیهی است که منظور از نظریه داده‌بنیاد، نظریه برگرفته از داده‌هایی است که طی فرایند پژوهش به صورت نظام‌مند گردآوری شده‌اند. در واقع به جای اینکه مطالعه از نظریه از پیش تصور شده‌ای شروع شود از بطن داده‌های واکاوی شده احصا می‌شود (Strauss & Corbin, 1998, p. 95). این روش امکان مطالعه عمیق پدیده‌ها را فراهم می‌کند و به جای آزمون فرضیه‌ها، به ارائه چهارچوبی مفهومی یا ظهور نظریه‌ای می‌انجامد (جابری‌منش و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۸۰). در واقع نظریه زمینه‌ای و داده‌بنیاد، نظریه‌ای است که از داده‌ها به دست آمده و از راه پژوهش تجزیه و تحلیل شده است (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷، ص. ۵۳).

طبق این توضیح، روند کار در این پژوهش، به صورتی بود که پس از مطالعه و بررسی فراوان و بهره‌مندی از نظر مشاوران و افراد متخصص حوزه آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری، فرایند مصاحبه عمیق با ۱۲ از خبرگان انجام شد؛ مصاحبه با نمونه‌گیری به صورت هدفمند، تا جایی پیش رفت که پس از گفتگو با فرد دهم، داده‌ها به مرحله اشباع رسید و افراد مصاحبه‌شونده سخن جدیدی مطرح نمی‌کردند. باین حال برای اطمینان از اجماع به وجود آمده، مصاحبه تا فرد دوازدهم ادامه یافت. راهنمای نمونه‌گیری نظری، سؤال‌ها و مقایسه‌هایی است که حین تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها با افراد بروز می‌یافتند و موجب کشف مقوله‌های مناسب، خصوصیات و ابعاد آن شدند. جزئیات تعداد نمونه و سمت هر یک از مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره یک آمده است.

جدول (۱): مصاحبه‌شونده، سمت و تحصیلات

شماره مصاحبه‌شونده	سمت	تحصیلات
مصاحبه‌شونده شماره ۱	مدیر پژوهش در سازمان صدا و سیما	دکترای آینده‌پژوهی
مصاحبه‌شونده شماره ۲	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکترای سیاست‌گذاری عمومی
مصاحبه‌شونده شماره ۳	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکترای سیاست‌گذاری توسعه
مصاحبه‌شونده شماره ۴	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکتری سیاست‌گذاری عمومی
مصاحبه‌شونده شماره ۵	نماینده سابق مجلس و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکترای سیاست‌گذاری توسعه
مصاحبه‌شونده شماره ۶	استاد و پژوهشگر در دانشگاه دفاع ملی	دکترای آینده‌پژوهی
مصاحبه‌شونده شماره ۷	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکترای مطالعات آینده‌پژوهی

شماره مصاحبه شونده	سِمَت	تحصیلات
مصاحبه‌شونده شماره ۸	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکترای سیاست‌گذاری عمومی
مصاحبه‌شونده شماره ۹	پژوهشگر ارشد در دانشگاه دفاع ملی	دکترای آینده‌پژوهی راهبردی
مصاحبه‌شونده شماره ۱۰	پژوهشگر ارشد در دانشگاه دفاع ملی	دکترای آینده‌پژوهی راهبردی
مصاحبه‌شونده شماره ۱۱	پژوهشگر ارشد در دانشگاه دفاع ملی	دکترای آینده‌پژوهی
مصاحبه‌شونده شماره ۱۲	پژوهشگر سیاست‌گذاری عمومی	دکترای سیاست‌گذاری عمومی

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. سؤال پژوهش

چه چالش‌هایی در روند بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی وجود دارد؟

در راستای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان به دقت مورد تحلیل محتوا قرار گرفت. به این صورت که، کدگذاری داده‌ها همزمان با گردآوری داده‌ها انجام شد. در واقع، به منظور تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده و با هدف دقت‌سنجی تجزیه و تحلیل‌ها، تمامی مصاحبه‌ها واژه‌به‌واژه نوشته شد. سپس مفاهیم احصاشده دسته‌بندی شد. در این قسمت پایایی و روایی مطالب توسط خبرگان دوباره بازبینی شد. به این صورت که پس از دسته‌بندی مطالب، محتوای احصا شده به خبرگان بازگردانده و مورد بازبینی قرار گرفت. سپس تمام مصاحبه‌ها، دوباره جزء‌به‌جزء مرور شدند و در نهایت مفاهیم محوری از بطن آنها احصا شد که در نظریه داده‌بنیاد به آن کدگذاری محوری^۱ می‌گویند.

در مرحله کدگذاری انتخابی نیز تمامی مفاهیم مرتبط حول یک محور دست‌بندی شدند. در روش نظریه داده‌بنیاد، فرایند رفت و برگشت میان داده‌ها و تحلیل آنها پیوسته انجام می‌شود و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه دارد. همچنین قبل از کدگذاری متن مصاحبه نوشته‌شده به مصاحبه‌شونده بازگردانده شد تا بررسی و مرور شود و در صورت صحت، مفاهیم را تأیید کند. همچنین از روش نظارت متخصص استفاده شد. در نهایت کدگذاری در قالب مدل پارادایمی^۲ مرکب از شریط زمینه‌ای، شریط علی و شریط مداخله‌گر، فرایندها و پیامدها حول مقوله مرکزی

1. Axial coding
2. Paradigm model

تدوین شد که در مجموع همان چالش‌های مورد بحث در بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در روند سیاست‌گذاری فرهنگی هستند. بدیهی است بیان ریز موارد بیان شده ممکن نیست، به همین جهت نیاز به تلخیص داده‌ها و منظم نمودن موارد و حذف حواشی بود که در ادامه انجام شده است. در ادامه جدول کدگذاری باز، محوری و انتخابی در قالب نظریه داده‌بنیاد ارائه شده است. سپس در قالب نمودار، مدل پارادایم منطقی حاصل از داده‌های مصاحبه بر مبنای این نظریه، ترسیم شده و در نهایت به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل، پرداخته شده است.

جدول (۲): کدگذاری باز، محوری و انتخابی

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
عوامل زمینه‌ساز	مؤلفه‌های گفتمانی	عدم تناسب دیدگاه و کنش سیاست‌گذاران با اندیشه تغییر وضع موجود، عدم اندیشه و گفتمان آینده‌نگر در سیاست‌گذاران، گسترش آینده‌پژوهی در بستری نوین و ماندن شاکله سیاست‌گذاری در فضای سنتی، گفتمان سنتی مانع توسعه آینده‌پژوهی، اندیشه حفظ وضع موجود مانع بهره‌گیری از آینده‌پژوهی، اندیشه تغییر لازمه سیاست‌گذاری آینده‌نگر، تحولات نرم‌افزاری پی‌درپی و بی‌توجهی گفتمان‌های مسلط داخلی به این تحولات، نبود نظام معنایی و گفتمان آینده‌نگر
	مؤلفه‌های سیاسی	نادیده‌انگاری بستر حکمرانی شبکه و منابع قدرت آن، عدم فهم مشترک و اجماع سیاسی سیاست‌گذاران، ذهنیت تقدیرگرایانه حاکم بر سیاست‌گذاران، حاکمیت سیاسی اقتدارگرا، وجود چالش‌های قدرت، از هم‌گسیختگی سیاسی، نبود تقسیم کار تخصصی، ابهام در وظایف سیاسی، پراکندگی مراجع و منابع قدرت، تعارض در سیاست‌گذاری‌ها ناشی از ناهماهنگی حکمرانان، وجود حاکمیت چندگانه، عدم وجود حکمرانی شبکه‌ای
عوامل تداوم‌بخش	مؤلفه‌های نخبگانی	فقدان حلقه اتصال بین نخبگان آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاران، عدم تسلط نخبگان روی مسائل عملی و نظری آینده‌پژوهی، کم‌توجهی و غفلت نخبگان به آینده‌پژوهی، عدم آشنایی کافی نخبگان علوم اجتماعی نسبت به آینده‌پژوهی، نبود نخبه‌سالاری
	مؤلفه‌های علمی و دانشگاهی	عدم ارتباط مؤثر نظام بروکراسی با نظام علمی و دانشگاهی در مسیر حل مسئله، نوپا بودن دانش آینده‌پژوهی، عدم اعتماد سیاست‌گذاران به آینده‌پژوهی به عنوان علمی بلوغ‌یافته، عدم وضوح ابعاد علمی و عملی آینده‌پژوهی برای سیاست‌گذاران،

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
		عدم توانایی نظام دانشگاهی برای صورت‌بندی مسائل با روش‌های آینده‌نگر، عدم نهادینگی دانش آینده‌پژوهی در دانشگاه‌ها، گسترش سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی در فضای غیرعلمی، عدم پیوستگی فضای دانشگاهی با فضای سیاسی و حکمرانی، عدم تمهیدات لازم برای به‌کارگیری نخبگان در اندیشه‌های سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی، فقدان متخصصان بین‌رشته‌ای آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری، عدم تفکر چند بعدی در بین سیاست‌گذاران، عدم پیوند بین مراکز فکری و دانشگاهی و اتاق فکرها، عدم ادراک برخی نخبگان دانشگاهی نسبت به حکمرانی و سیاست‌گذاری
	مؤلفه‌های محیطی	عدم اطمینان محیطی و بی‌ثباتی، فقدان محیط مناسب برای بروز و ظهور خلاقیت‌های فردی، نگره داشتن سطوح انتظارات جامعه در سطح نیازهای اساسی، بی‌ثباتی و بحران محیطی مانع سیاست‌گذاری آینده‌نگر
عوامل تشدیدکننده	مؤلفه‌های فرهنگی	عدم باورپذیری سیاست‌گذاران به حوزه آینده‌پژوهی، رویکردهای ایدئولوژیک مانع گسترش علم آینده‌پژوهی، ذهنیت تقدیرگرایانه حاکم بر سیاست‌گذاران مانع گسترش علم آینده‌پژوهی، عدم حوصله سیاست‌گذاران برای تحلیل‌های چند روایتی و تمایل به تحلیل‌های تک‌خطی، تلاش برای توسعه خطی و تقلید از غرب و کشورهای توسعه یافته، نبود ارزش‌های فرهنگی نسبت به تأکید اهمیت آینده‌پژوهی، روزمرگی و نبود فرهنگ مطالعه و فکر در میان سیاست‌گذاران، سطحی‌نگری در آینده‌پژوهی، نگاه به آینده‌پژوهی به‌عنوان یک مؤلفه سطح بالا و اعتبار علمی، مغفول و مهجور بودن فرهنگ بهره‌گیری از آینده‌پژوهی، عدم باورمندی مدیران سیاست‌گذار نسبت به علوم بین‌رشته‌ای، جذابیت دستاوردهای سیاستی کشورهای بیگانه و احساس خودتحمیری، غلبه نگاه سنتی به مقوله سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی، سانسور کردن رویدادها توسط سیاست‌گذاران به‌دلیل ترس از بیان آینده
عوامل آشکارساز	مؤلفه‌های نهادی	ضعف فعالیت نهادی و درون‌سیستمی، نادیده‌انگاری بستر حکمرانی شبکه و منابع قدرت آن، رواج سیاست‌گذاری بالا به پایین، کم‌ثباتی سیاسی و شکنندگی نهادی، چندحاکمیتی در سیاست‌گذاری، عدم انسجام و عدم همسویی و عدم هماهنگی

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
در نهادهای سیاست‌گذار، محفلی و بسته بودن فرایند سیاست‌گذاری، ناآشنایی سازمان‌ها و نهادها با ادبیات آینده‌پژوهی		
خلاً سیاست‌گذاری در مرحله اجرا و ارزیابی و پیش‌ارزیابی، توالی سیاست‌های غلط گذشته، خلاً در پیدا کردن و حل مسئله سیاست‌گذاری، نداشتن پیوست آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری‌ها، مهجور و حتی ناشناخته بودن آینده‌پژوهی در عرصه سیاست‌گذاری خرد و نسبت دادن آن با سیاست‌گذاری کلان	خلأهای چرخه سیاستی	

منبع: (یافته‌های نگارنده)



منبع: (یافته‌های نگارنده)

شکل (۲): مدل کیفی چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری بر اساس مدل گراندد تئوری

۲-۶. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۲-۶-۱. عوامل زمینه‌ساز

الف. مؤلفه‌های گفتمانی: به نظر مصاحبه‌شوندگان، یکی از چالش‌های بهره‌گیری از آینده‌پژوهی در بستر سیاست‌گذاری فرهنگی، ادراکات متفاوت نسبت به آینده‌پژوهی از جانب سیاست‌گذاران و حکمرانان است؛ به عبارتی برخورد سیاست‌گذاران به لحاظ گفتمانی نسبت به آینده‌پژوهی در چند حالت است؛ نخست اینکه برخی سیاست‌گذاران تفکر آینده‌نگر را قبول ندارند؛ دیگر اینکه برخی سیاست‌گذاران به مفهوم آینده‌پژوهی واقف هستند، اما اعتقادی به عملکرد و کارکرد آن در چرخه سیاستی ندارند؛ همین امر باعث می‌شود که چهارچوب ارتباطی آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری فرهنگی در دو گانه گفتمانی شکل گیرد که ایجادکننده چالش‌های پیوند بین این دو علم خواهد بود. در واقع یا سیاست‌گذاران باور به نظام گفتمانی آینده‌پژوهی ندارند یا از ایجاد نظام معنایی هم‌پیوند با آینده‌پژوهی غفلت می‌ورزند. در واقع گفتمان سنتی سیاست‌گذاری همواره مانع تفکر جدید و نوگرایانه است؛ منظور از سنت در اینجا مفاهیم اعتقادی، ایدئولوژیک یا مذهبی نیست، بلکه منظور شاکله قدیمی و کهنه‌ای است که سال‌ها بر اساس یک برنامه از پیش تعیین‌شده، سیاست می‌نویسد. برخی از سیاست‌گذاران فرهنگی نیز هستند که آینده‌پژوهی را می‌پذیرند، اما سعی دارند که به آن نگاهی ابزاری و نه رویکردی داشته باشند. این چالش فکری و زمینه‌ای ناشی از تعصب یا دگم‌اندیشی یا فضای سیستم نهادی یا ضرورت‌های حکمرانی و نیز ناهمترازی‌های سیاست‌گذاری‌های فرهنگی است که می‌تواند به صورت عمیقی چالش‌برانگیز باشد.

ب. مؤلفه‌های سیاسی: به اعتقاد نخبگان شرکت‌کننده در مصاحبه، نادیده‌انگاری حکمرانان نسبت به آینده‌نگری و بخشی‌نگری آنها از عوامل مهم زمینه‌ساز در حیطه چالش‌های سیاسی است. نبود رویکرد مشارکتی و عدم انسجام بین سیاست‌گذاران فرهنگی و سیاستمداران نیز به تبعیت از این غفلت خود مزید علت شده است؛ تاجایی که این مسئله مورد تأکید قرار می‌گیرد که آینده‌پژوهی بیشتر بر خرد جمعی و رویکرد مشارکتی تأکید دارد و این مختصات با تمایل‌های سیاست‌گذاران و حکمرانانی که از کار گروهی هراس دارند، متناسب نیست. در کنار این مسئله، عدم درک مناسب سیاسی از آینده‌پژوهی خود عامل زمینه‌سازی است که می‌تواند ناشی از عوامل زیرساختی دیگری همچون نبود همگنی سیاسی میان سیاست‌گذاران باشد؛

به باور بسیاری از صاحب‌نظران این مسئله به دلیل عدم نخبه‌سالاری و شایسته‌سالاری است که خود باعث ازهم‌گسیختگی سیاسی و ابهام در وظایف سیاست‌گذاران می‌شود. وجود چالش‌های قدرت و برخی ذهنیت‌های سنتی و تقدیرگرا مانع پذیرش رویکرد آینده‌پژوهانه می‌شود. این نگاه سنتی و تقدیرگرایانه به باور بسیاری از صاحب‌نظران حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی می‌تواند در بسیاری از حاکمیت‌های اقتدارگرا و حتی طرفدار مردم‌سالاری نیز وجود داشته باشد. دلیل زمینه‌ای دیگر که می‌تواند این نگاه سنتی و تقدیرگرایانه را تقویت کند رویکردهای ایدئولوژیک صرف است که در عین بی‌ثباتی محیطی نوعی ازهم‌گسیختگی سیاسی را منتج می‌شود. درواقع رویکردهای تقدیرگرایانه اجازه ورود عناصر نوگرا به مباحث سیاستی را نمی‌دهد. از آنجایی که علم آینده‌پژوهی به‌روز و نوگرا است، خود در بستر این تقدیرگرایی نوعی بدعت محسوب می‌شود. همین امر باعث می‌شود که بسیاری از سیاست‌مداران و مسئولان سیاست‌گذار یا توجهی به این دانش نکنند یا آن را جدی نگیرند.

۶-۲-۲. عوامل تداوم‌بخش

الف. مؤلفه‌های نخبگانی: به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان، در عرصه نخبگانی هنوز تصویر روشنی از آینده‌پژوهی شکل نگرفته و در نتیجه به گمراهی نخبگانی دامن زده است. همین امر باعث شده است که حلقه ارتباطی مستحکمی بین سیاست‌گذاران فرهنگی و آینده‌پژوهان شکل نگیرد. در نتیجه، تسلط نخبگان روی مسائل عملی و نظری آینده‌پژوهی کمتر شود. این عدم تسلط هم به دلیل کم‌توجهی به مباحث آینده‌پژوهی هم به دلیل عدم آشنایی نخبگان سیاست‌گذاری فرهنگی با مفاهیم و گفتمان آینده‌پژوهی است. ضمن اینکه بسیاری از نخبگان دانشگاهی با مقولات حکمرانی، سیاست‌گذاری، آینده‌پژوهی و در مجموع علوم بین‌رشته‌ای آشنایی کافی ندارند. همین امر باعث می‌شود که ارتباط مؤثری بین نخبگان عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی و آینده‌نگری پیش نیاید. ضمن اینکه، نوعی بستر رقابتی در شاکله دانشگاهی و در مورد علوم مادر و پایه با علوم بین‌رشته‌ای و جدید همچون سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی وجود دارد که از گسترش علوم بین‌رشته‌ای جلوگیری می‌کند؛ این بستر رقابتی به دلیل ترس از به حاشیه رفتن علوم مادر نیز به وجود آمده است. از این رو مفاهیم کاربردی در حیطه علوم بین‌رشته‌ای، قدرت بروز و ظهور در عرصه دانشگاهی را به مانند علوم پایه پیدا نکرده‌اند؛ به عنوان نمونه، برخی نخبگان

علوم سیاسی و صاحب‌نظران دانشگاهی تمایلی به بهره‌گیری و استفاده از مفاهیم آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری ندارند. این امر باعث می‌شود که در مراحل بالاتر و سیاستی نوعی خلأ نسبت به بهره‌گیری از علوم کاربردی و اثرگذار به‌وجود آید. در واقع زنجیره‌ای از ناآگاهی، بی‌توجهی و غفلت و ترس از تغییر در رفتار نخبگان سایه افکنده است که می‌تواند به‌عنوان عامل میانجی در مسیر بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در چهارچوب سیاستی چالش‌برانگیز باشد.

ب. مؤلفه‌های علمی و دانشگاهی

ادراک‌های متفاوت از مفاهیم و میزان اثرگذاری دانش آینده‌پژوهی از جانب نخبگان علمی یکی از چالش‌های مهم در بستر دانشگاهی است. نخبگان بر این اعتقاد هستند که فقر منابع علمی در حوزه آینده‌پژوهی و کمبود محتوای درخور دانشگاه‌ها، این مسئله را تشدید کرده است. این امر البته به دلیل جدید و نوپا بودن آینده‌پژوهی نسبت به سیاست‌گذاری است که برگرفته از علوم سیاسی، اقتصادی و مدیریت می‌باشد. همین مسئله باعث شده است که آینده‌پژوهی که علمی میان‌رشته‌ای است نتواند در بین دانشگاهیان شناخته شود. ضمن اینکه در حیطه سیاست‌گذاری آموزشی در دانشگاه‌ها زمینه پیوند این دو علم برقرار نشده است. اگر این دو علم در فضای دانشگاهی پیوند مؤثر علمی داشته باشند متخصصان چندجانبه تربیت می‌شوند که سیاست‌گذاری آینده‌نگر را تحقق می‌بخشند. بدیهی است زمانی که زمینه پیوند این دو علم در عرصه دانشگاهی فراهم شود نظام دانشگاهی قدرت وافرتری برای صورت‌بندی مسائل با روش‌های آینده‌نگر پیدا می‌کند. این شاکله قطعاً می‌تواند قابل نفوذ به فضای حکمرانی و اجرایی نیز باشد و طبیعتاً عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی از آن متأثر می‌شود.

۶-۲-۳. عوامل تشدیدکننده

الف. مؤلفه‌های محیطی: این اعتقاد از جانب مصاحبه‌شوندگان وجود دارد که برای سیاست‌گذاری فرهنگی نیازمند مختصات سیاستی هستیم که آینده‌نگر باشد و با افق چندین‌ساله برنامه‌نگاری کند؛ بدیهی است که آینده‌پژوهی نیز دانشی است که بستر این مختصات سیاستی با وجود دربرگیرندگی مفاهیم آینده‌نگری می‌تواند فراهم کند. البته به اعتقاد خبرگان، پیش‌نیاز ایجاد و تداوم چنین محیط آینده‌گر سیاستی که بستر ظهور و بروز خلاقیت و نوآوری سیاستی است، محیط متناسب و باثبات است. خبرگان معتقدند زمانی که محیط اجتماعی و سیاسی بی‌ثبات است یا بحران‌های

پایای اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی وجود دارد، طبیعتاً سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نیز تحت‌الشعاع قرار می‌گیرند.

ب. مؤلفه‌های فرهنگی: به اعتقاد نخبگان، عدم‌باورپذیری به دانش آینده‌پژوهی از جانب سیاست‌گذاران ناشی از زمینه‌های فرهنگی است که می‌تواند رویکردهای ایدئولوژیک و سنت‌گرایی نیز در آن دخیل باشد. حتی ذهنیت تقدیرگرایانه حکمرانان یا سیاست‌گذاران نیز ناشی از زمینه‌های فرهنگی است که یا مستقیم برگرفته از بطن فرهنگ سیاسی است یا ناشی از تلقین‌های ناهموار و ناهمسویی است که از ابتدای رشد و نمو فراگرفته‌اند. این فرهنگ سیاسی محدود که به‌لحاظ جامعه‌شناسی در بستر جامعه روبه‌گذار و کوتاه‌مدت شکل گرفته، زمینه‌ساز ذهنیتی است که عرصه سیاست‌گذاری را نیز کوتاه‌مدت و زودبازده فرض می‌کند. این ذهنیت زودبازده با محتوای آینده‌پژوهی که بر دوراندیشی و تفکر بلندمدت متمرکز است، نمی‌تواند قرابت پیدا کند. از این رو طرح این دیدگاه مهم دانسته می‌شود که بررسی چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در مختصات سیاستی نباید بستر سیاسی یا دانشگاهی ملاک قضاوت باشد که نیاز است سیاست‌گذاران به‌عنوان عاملیت انجام امور سیاسی در گستره روان‌شناسی سیاسی مورد ارزیابی قرار گیرند. هر چند به نظر تأمل در این رویکرد کمی بی‌نتیجه و بی‌ثمر به‌نظر برسد، اما می‌تواند مسیری را برای حل چالش‌ها و در مقابل افزایش فرصت‌ها و ظرفیت‌های توسعه دانش آینده‌پژوهی باز کند. در واقع تمام عوامل از جمله چالش‌های علمی و دانشگاهی، نخبگانی، گفتمانی و سیاسی در بستری از چالش‌های فرهنگی شکل می‌گیرند که در نهایت بازخورد آن در بخش‌های ذکر شده نمایان می‌شود. ضمن اینکه این چالش‌ها خود مکمل یا تقویت‌کننده همدیگر هستند؛ مثلاً در کم‌حوصلگی سیاست‌گذاران در کاربرد رویکردهای آینده‌نگر، تلقین نتیجه‌محوری و زودبازده بودن اهداف اهمیت دارد. در واقع همین ذهنیت‌های کوتاه‌مدت، زودبازده و سلیقه‌محورانه ناشی از فرهنگ سیاسی سیاست‌گذارانه است که مانع تفکر آینده‌نگر در سیاست‌گذاری فرهنگی شده است.

در واقع این فرهنگ سیاسی که نگاه تک‌خطی و تک‌محوری را می‌پذیرد، توان چندروایتی را ندارد. به‌عبارتی، این نگاه، سناریومحوری را در سیاست‌گذاری فرهنگی که متشکل از رویکرد چند روایتی است را نمی‌پذیرد. این کنش ناشی از تفکر محدود و زودبازده در عرصه سیاستی است و از آنجاکه حصول به نتیجه سریع را مطلوب فرض می‌کند از این رو آینده‌اندیشی و کنش‌ورزی در عرصه آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری آینده‌نگر را بیپهوده می‌داند و مطلوبیت مؤثری در قالب آن ترسیم نمی‌کند.

۶-۲-۴. عوامل آشکارساز

الف. مؤلفه‌های نهادی: زمانی که بستر نهادی ضعیف باشد یا سیستم قدرت نتواند چابکی لازم را در عرصه سیاستی داشته باشد نمی‌توان توقع داشت که سیاست‌گذاران عرصه فرهنگ با جدیت فعالیت کنند. ضمن اینکه اگر دستگاه‌ها و نهادها در عرصه سیاستی تک‌محور باشند و نقش حکمرانی محلی و شبکه‌ای را در دستور کار نداشته باشند لزوماً نوعی قدرت یکپارچه شکل می‌گیرد (کم‌جانی و عیوضی، ۱۴۰۰، ص. ۳۲) که پذیرای هیچ علم و دانشی نیست. این سیستم‌ها در دنیای امروز سریع‌تر آسیب می‌بینند؛ چراکه به دلیل حجم چالش‌ها و بحران‌های نوظهور توان مقابله ندارند و از این رو شکننده می‌شوند. شکنندگی نهادها خود باعث نوعی بی‌نظمی نهادی می‌شود که در بستر قدرت رو به زوال شکل گرفته است. در واقع این‌گونه نهادها با نوعی نظم بی‌نظمی مواجه می‌شوند که ارمان آن بی‌ثباتی سیاسی است. بدیهی است که زنجیره بی‌ثباتی نهادی قابل اشاعه سریع به بدنه سیاستی است و البته که توان و قدرت دور اندیشی را از آنها می‌گیرد و در نهایت تنها در جهت حل بحران بر می‌آیند یا روزمره یا بی‌تفاوت می‌شوند.

ب. خلأهای چرخه سیاست‌گذاری: آشکاترین عواملی که منعکس‌کننده چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری فرهنگی است، مربوط به خلأهای چرخه سیاستی در بستر نهادی است. آنچه درباره چرخه سیاستی باید بیشتر مورد بحث قرار داد، نقش سیاست‌های غلط است که می‌تواند بستر مانع‌سازی برای جلوگیری از رویکردهای آینده‌نگرانه باشد. توالی سیاست‌های غلط گذشته ناشی از تکرار روندهای اشتباه یا تأکید بر رویکردهای ناصحیح گذشته می‌تواند نوعی گذشته‌گرایی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی را تقویت کند. گذشته‌گرایی باعث می‌شود که توجه به آینده کمتر و باورهای اشتباه و دور از ذهن، جای رجوع به آینده و بسترسازی برای ساختن آینده را بگیرد. همین گذشته‌گرایی مانع جدی در مسیر پیدا کردن مسئله و حتی حل مسئله است. گذشته‌گرایی، تک‌جانبه‌گرایی و توالی غلط‌پنداری از سیاست‌ها بسیار نامطلوب است؛ چراکه باعث می‌شود که سیاست‌گذاران عرصه فرهنگ با واقعیت‌ها کمتر انس بگیرند و در فضایی اشتباه قرار بگیرند.

۶-۲-۲. فرایندها

فرایندها مؤلفه‌های اثرگذار و فعالی هستند که در سیر پدیده مورد نظر، بسترسازی و

روان‌سازی می‌کنند (فراستخواه، ۱۳۸۸، ص. ۶۶). در مدل داده بنیاد کنونی، مجموعه عوامل زمینه‌ای، میانجی و مداخله‌گر و علی، تحت چهارچوب چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری فرهنگی، باعث نضج، نمو و تشدید فرایند چندنگرشی و چندادراکی به دانش آینده‌پژوهی می‌شوند. به اعتقاد نخبگان صاحب‌نظر در این موضوع، هر چه دامنه ارتباط و همگرایی بین دانش سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی تحت چالش‌ها و مسائل مختلف کمتر شود، میزان شناخت از آینده‌پژوهی کمتر و دامنه تعاریف این دانش بیشتر می‌شود؛ چراکه نهادینه نمی‌شود و محل برداشت و تعاریف مختلف قرار می‌گیرد. این مسئله باعث می‌شود که دیدگاه‌ها نسبت به این علم فزونی بگیرد و چهارچوب‌های عامیانه آن گسترش بیاید. این مسئله در توسعه علم آینده‌پژوهی رویکردی منفی است و اصلاً مطلوب تلقی نمی‌شود. درواقع اگر در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی رویکرد آینده‌نگر، غالب، غایت و جهت‌ده نباشد، حوزه سیاستی نمی‌تواند تفاوت بحران را با غیربحران به خوبی تشخیص دهد و معمولاً مسائل وقتی رخ می‌دهند، سیاست‌گذاران فرهنگی امکان ورود پیدا می‌کنند و طبیعتاً این شرایط بسیار غافلگیرکننده برای آنها خواهد بود. در صورتی که آینده‌پژوهی در قالب گفتمان و مفاهیم و ابزارها می‌تواند نه تنها به تناسب شرایط الگویی قابل فهم و بومی ارائه دهد که با طبقه‌بندی از شرایط و آینده‌های ممکن، مطلوب و محتمل و زیرمجموعه‌های مفهومی همچون قطعیت^۱، عدم قطعیت^۲، شگفتی‌ساز^۳، سیگنال‌های ضعیف و قوی^۴، پدیده‌های نوظهور^۵ و... می‌تواند شرایط را برای سیاست‌گذاران قابل تحلیل و فهم کند. البته با وجود چالش‌های زمینه‌ای، علی و میانجی مطرح شده نمی‌توان به وضوح گفت که بیشترین بهره را سیاست‌گذاران می‌توانند از آینده‌پژوهی بگیرند.

۶-۲-۳. پیامدها

پیامدها، نتایجی هستند که در اثر فرایندها پدیدار می‌شوند (بازرگان، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۱). درواقع فرایندهای مولد که ناشی از عوامل زمینه‌ای، علی و میانجی هستند می‌توانند چرخه معیوب سیاست‌گذاری فرهنگی را تداوم دهد. فرایند خلأ و نقصان در چرخه سیاستی نیز تا جایی پیش می‌رود که مزایا و تأثیرهای سیاست‌گذاری نیز

1. Certainty
2. Uncertainty
3. Surprising
4. Weak and strong signal
5. Emerging phenomena

زیر سؤال می‌رود. به عبارتی از آنجاکه دانش سیاست‌گذاری نیز در ایران هنوز در اوایل توسعه و قبول علمی است، در صورت معیوب بودن چرخه و خلأ در جریان سیاستی متهم به ناکارآمدی می‌شود. اگر شرایطی را تصور کنیم که چالش‌های مختلف سیاسی، نهادی، گفتمانی، فرهنگی، محیطی و علمی و نخبگانی وجود نداشته باشند یا اثرگذاری کمتری در ارتباط بین سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی داشته باشند، آن زمان می‌توان فرصت‌ها و ظرفیت‌های بازگو شده را گسترده‌تر در ارتباط و بهره‌گیری سیاست‌گذاری از آینده‌پژوهی توضیح داد؛ برعکس اگر راهکاری برای رفع چالش‌های بازگو شده ارائه نداد یا اراده‌ای برای اجرای راهکارها نباشد در نهایت آنچه منتج خواهد شد زنجیره‌ای از چالش است که در مسیر ارتباط و بهره‌گیری سیاست‌گذاری از دانش آینده‌پژوهی به وجود می‌آید. این زنجیره چالش می‌تواند مانع ایجاد زنجیره ارتباطی بین این دو عرصه مورد بحث باشد. بدیهی است که جریان سیاستی کارآمد نیازمند دریچه آینده‌نگرانه‌ای است که در صورت زنجیره چالشی به ناکارآمدی می‌گراید. باید در نظر گرفت فرصت‌هایی که آینده‌پژوهی برای سیاست‌گذاری و سیاست‌گذاران به همراه دارد به طور قطع می‌تواند خلأهای عرصه سیاست‌گذاری را کاهش دهد (Hilbert, 2009, p. 880). ضمن اینکه آینده‌نگری و رویکردهای آینده‌نگر می‌تواند با پیش‌بینی و تصویرسازی از آینده متکثر، در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی، زیرساخت پویا ایجاد کند. به‌طور معمول، عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی عرصه سلیقه‌های کنترل‌گر و رهاکننده^۱ است که با لحاظ رویکرد آینده‌نگر نوعی تجمیع سلیقه و اتفاق نظر بهتر در جامعه سیاست‌گذاران این عرصه در جهت پیشبرد و توسعه فرهنگ مطلوب شکل می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار ابتدا به بیان اهمیت بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در عرصه سیاست‌گذاری و سپس به بررسی فرصت‌هایی که آینده‌پژوهی می‌تواند برای چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی به همراه داشته باشد، پرداختیم. سپس با رویکرد داده‌بنیاد، به بررسی چالش‌هایی که در مسیر بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری فرهنگی وجود دارد، پرداختیم. به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان، چالش‌های بهره‌گیری از آینده‌پژوهی در بستر سیاست‌گذاری فرهنگی بیش از آنکه مربوط به سطوح نهادی و سیاسی باشد، مربوط به عدم نهادینگی علمی آینده‌پژوهی است که مستقیم و

1. Controlling and releasing tastes

غیرمستقیم با مؤلفه فرهنگ آموزشی در ارتباط است. بیان این گفته‌ها، این مؤلفه ذهنی را بسیار تقویت می‌کند که بیشترین چالشی که بر سر راه استفاده از دانش آینده‌پژوهی در حوزه سیاستی است مربوط به مقوله فرهنگی مسئولان، فرهنگ آموزشی غالب بر دانشگاه‌ها و عدم سیاست‌گذاری فرهنگی و آموزشی به‌صورت توأمان در دانشگاه‌ها است؛ به‌بیان‌دیگر آنچه باعث اندک‌شماری فرصت‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در محور سیاست‌گذاری محسوب می‌شود، غلبه فرهنگی است که مشخصات آن غفلت، سبک‌شماری و بحران‌گونه‌پنداری عرصه سیاست‌گذاری است؛ ضمن اینکه سیاست‌گذاری فرهنگی و آموزشی تاکنون به‌صورتی نبوده است که علوم کارآمد بین‌رشته‌ای را پذیرا باشد. به‌همین دلیل نخبگان راهکارهایی از جمله: شناسایی بستر سیاست‌گذاری فرهنگی به‌منظور کاربست آینده‌پژوهی در راستای رفع خطاها و خلأهای آن؛ تقویت کارنهادی و درون‌سیستمی از جانب آینده‌پژوهان و سیاست‌گذاران؛ ارتباط بیشتر کانون‌های سیاست‌گذاری با مراکز و اندیشکده‌های آینده‌پژوهی و پیرو آن همگامی و نظارت متخصصان آینده‌پژوهی بر فرایند سیاست‌گذاری؛ شناسایی و به‌کارگیری افراد با ذهنیت چندبُعدی و تفکر چندمحوری، الزام سیاست‌گذاری‌های فرهنگی به داشتن پیوست آینده‌پژوهی، بهره‌گیری از افراد با دانش و باتجربه از مراکز سیاست‌گذاری دنیا که در حوزه آینده‌نگاری آموزش دیده باشند، ایجاد و توسعه آموزش‌های دوره‌ای آینده‌پژوهی در نظام اداری و اجرایی کشور، انجام پژوهش‌ها و تولیدهای علمی در باب ارتباط و تعامل دانش آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری را پیشنهاد داده‌اند.

ضمن اینکه پیشنهاد شده است که نباید در عرصه آموزش آینده‌پژوهی لزوماً به ابزار و روش‌های این رشته توجه شود. در این راستا یکی از آفت‌های آینده‌پژوهی، حضور افرادی است که صرف داشتن مطالعات فنی و مهندسی در جهت گسترش کارگاه‌های ابزار و روش و مبتنی بر نرم‌افزار تأکید می‌کنند. بدیهی است معرفی آینده‌پژوهی صرفاً به‌عنوان روش، نوعی ضدتبلیغ برای این دانش محسوب می‌شود. باید توجه داشت که تأکید صرف بر روش می‌تواند آفت جدی و مهم در فهم مسائل نیز باشد؛ چراکه در عرصه سیاسی تلقی ابزارگونه از آینده‌پژوهی می‌شود و همان‌طور که توضیح داده شد این دانش به‌صورت عمیق در بستر سیاست‌گذاری نهادینه نمی‌شود؛ به‌علاوه اینکه زمانی سخن از بومی‌سازی دانش آینده‌پژوهی می‌شود مهم‌ترین مسئله ایجاد و گسترش مؤثر این دانش در سطوح دانشگاهی است تا به این وسیله در عرصه اجرایی حکمرانی قابل بهره‌گیری شود.

پیوست شماره یک

بسمه تعالی	
۱	به نظر شما چه چالش‌ها، ریسک‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها در مسیر سیاست‌گذاری توسعه در کشور مثال زد؟
	الف) چالش‌های سیاسی و نهادی
	ب) چالش‌های فرهنگی
	ج) چالش‌های علمی و نخبگانی
	د) چالش‌های محیطی
	موارد دیگری که به نظر شما مهم است ذکر بفرمایید.
۲	به نظر شما دانش، آینده پژوهی، چه فرصت‌ها، ریسک‌ها، تهدیدها در مسیر سیاست‌گذاری توسعه کشور فراهم سازد؟
	الف) فرصت‌های علمی و نخبگانی
	ب) فرصت‌های سیاسی و نهادی
	ج) فرصت‌های فرهنگی
	د) فرصت‌های محیطی
	موارد دیگری که به نظر شما مهم است ذکر بفرمایید.
۳	به نظر شما یکارگیری روش‌های آینده پژوهی در کدام یک از مباحث زیر سیاست‌گذاری (یافتن مسأله، تعریف مسأله، هدفگذاریها، پدیده‌های آینده و تعیین و تدوین راهکار، اجرا و ارزیابی) موثر می‌باشند؟ (در صورت آگاهی از عناوین روش‌ها لطفاً نام ببرید)
۴	چه راهکارهایی را برای بهره‌گیری بهتر از دانش، آینده پژوهی در روند سیاست‌گذاری توسعه در کشور پیشنهاد می‌کنید؟

فهرست منابع

اجلایی، پرویز (۱۳۷۹). سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران. تهران: نشر آن.

استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی نظریه‌مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بازرگان، عباس (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته. تهران: نشر دیدار.

جابری‌منش، عذرا و دیگران (۱۳۹۸). فهم شکل‌گیری صمیمت سازمانی با استفاده از روش داده‌بنیاد. مجله مدیریت سازمان‌های دولتی، ۷(۲).

دانایی‌فرد، حسن؛ حیدری، محمدمهدی؛ عادل، آذر و قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۹۴). فهم خاتمه خط‌مشی‌های عمومی در ایران، پژوهشی بر مبنای نظریه داده‌بنیاد.

- اندیشه مدیریت راهبردی، ۹(۱)، ۱۱۰-۱۳۲.
- رضایی قادی، مهدی و رفیع، حسین (۱۴۰۰). بررسی کاربردهای آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری عمومی. *سیپهر سیاست*، ۸(۲۷)، ۲۱-۴۶.
- شریفی، علیرضا و فاضلی، عبدالرضا (۱۳۹۱). واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران. *مجلس و راهبرد*، ۱۹(۶۹).
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۹). آینده‌پژوهی سیاسی. *فصلنامه راهبرد*، ۲۵(۷۹)، ۱۳۹-۱۵۰.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۹). *مبانی آینده‌پژوهی*. تهران: دانشگاه شاهد.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۴۰۰). *آینده‌پژوهی اسلامی*. تهران: دانشگاه شاهد.
- فراستخواه، مسعود (۱۳۸۸). *ارزیابی کیفیت آموزش عالی کاربردی از نظریه مبنایی*. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- قرونه، حسن و دیگران (۱۳۹۵). طبقه‌بندی ابزارهای پیش‌ارزیابی سیاست با رویکرد آینده‌پژوهی. *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۲(۲).
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۹). *مدیریت سیاسی و خط‌مشی دولتی*. تهران: دفتر نشر اسلامی.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۶). روش‌شناسی فراترکیب و کاربرد آن در سیاست‌گذاری عمومی. *فصلنامه سیاست*، ۴۷(۳)، ۵۲-۷۶.
- کميجانی، علی و عیوضی، محمدرحیم (۱۴۰۰). *سیمای حکمرانی مطلوب در ایران*. *فصلنامه راهبرد*، ۳۰(۱۰۰)، ۶۵-۸۹.
- کوثری، سحر و رحمتی، فاطمه‌السادات (۱۳۹۸). مطالعات آینده و نقش آن در سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری. *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، ۱۱(۲)، ۳۳-۵۰.
- مولر، پیر (۱۳۷۸). *سیاست‌گذاری عمومی*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: دادگستر.

Bell, W. (2011). *Foundations of Futures Studies: Human Science for a New Era: Values, Objectivity, and the Good Society*, London and New Brunswick: Transaction Publishers.

Hilbert, Martin (2009). foresight for policy making. *Technological forecasting and social change*, 76(7).

Leitner, markus (2018). *foresight for policy and decision- makers*. institutional strengthening.

Malaska, Pentti (2003). *Futures and Penetration to the Futures*. Acta Futura Fennica, Helsinki.

Sabatier, Paul (1991). *Towards Better Theories of the Policy Process*. Political Science and Politics June.

Strauss, A. L. & Corbin, Juliet (1998). *Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. london: sage.

References

- Bazargan, abbas (2009). *An introduction to qualitative and mixed research methods*, Tehran: didar publication.
- Bell, W. (2011). *Foundations of Futures Studies: Human Science for a New Era: Values, Objectivity, and the Good Society*, London and New Brunswick: Transaction Publishers.
- Danaei fard.H., heidari. M. adel azar & gholi por rahmatollah (2016) Understanding the termination of public policies in Iran, a research based on foundational data theory. *Strategic management thought*, 9(1), 110-132.
- Ejlali, parviz (2001). *Policy making and cultural planning in Iran*. Tehran: An publication.
- Eyvazi, mohammad Rahim (2017). Political future research. *Strategy Quarterly*, 25(79), 150-139.
- Ferasatkah, Masood (2010). *Evaluation of the quality of applied higher education from the basic theory*. Tehran: Higher Education Research and Planning Institute.
- Gharone, hasan et al. (2017). Classification of policy pre-evaluation tools with a future research approach. *Public Policy Quarterly*, 2(2), 880-861.
- Hilbert, martin (2009). *Foresight for policy making*. Technological forecasting and social change, 76(7), 22-60.
- Jabri Manesh, Ezra et al. (2020). Understanding the formation of organizational intimacy using the foundation data method. *Management Journal of Government Organizations*, 7(2), 80-50.
- Kamali, yahya (2018). Metacomposite methodology and its application in public policy. *Politics Quarterly*, 47(3), 52-76.
- Kazemi, Aliasghar (2001). *Political management and government policy*. Tehran, Islamic publication office.
- Komijani, ali & eyvazi, mahammdRahim (2020). The appearance of desirable governance in Iran. *Strategy Quarterly*, 30(100), 65-89.
- Kosari, s. & Rahmati, F. (2020). Future studies and its role in science, technology and innovation policies. *Science and Technology Policy Quarterly*, 11(2), 50-33.
- Malaska, Pentti (2003). *Futures and Penetration to the Futures*. Acta Futura Fennica, Helsinki.
- Moler, pier (2000). *Public policy*, Translation by hamidreza malekmahammadi. Dadgostar publication.
- Rezaei Ghadi, Mehdi & Rafi, Hossein (2022). Examining the applications of future research in public policy. *The domain of politics*, 8(27), 46-21.
- Sabatier, Paul (1991). *Towards Better Theories of the Policy Process*, Political Science and Politics June.
- Strauss, A. L. & Corbin, Juliet (1998). *Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. london: sage.
- Strauss, Anselm & Corbin, Juliet (2009). *The principles of qualitative research method*. The basic theory of procedures and practices, Translated by Buyuk Mohammadi, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies.